

رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح-لندن در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

مسلمانان در فرانسه، تحت فشارهای مادی، معنوی و حقوق بشری هستند



عکس: وجد سرایی / فرهیختگان (۱)

اروپایی هستند، اما سیاست‌آلمان و بریتانیا مانند فرانسه نیست. برای مثال در انگلستان و آلمان، مسجد و نمایندگی مقام معظم رهبری دایر است، اما فرانسوی‌ها چنین امکاناتی به ایران نداده‌اند. تفاوت سیاست دول غربی در رابطه با مسلمانان، در کتاب‌ها و مقالات علمی متعدد که در غرب نگارش و منتشر شده، تشریح شده است. (۲)

دلیل اصرار فرانسه بر مواضع علیه مسلمانان چیست؟

جنگ تمدن‌های هانتینگتون، یک نظریه نیست، یک پروژه است. جریان راست افراطی و کارتل‌های اسلحه‌سازی در غرب، پس از فروپاشی کمونیسم نیاز به دشمن جدید دارند تا در سایه آن به سیاست‌های سلطه‌طلبانه و میلیتاریستی خود ادامه دهند. لذا با توجه به ظرفیت فرهنگی-تمدنی و جمعیت حدود دو میلیاردی مسلمانان، آنها را تهدید اصلی معرفی می‌کنند و در بخشی از فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری نیز اسلام‌هراسی را تبلیغ می‌کنند.

دولت فرانسه در صف

اول اسلام‌هراسی و توهین به مقدسات اسلامی است. مسلمانان در فرانسه، تحت فشار انواع تضییقات مادی، معنوی و حقوق بشری هستند. دختران مسلمان در مدارس و دانشگاه‌ها حق داشتن حجاب و علائم دینی را ندارند در حالی که مسلمانان بریتانیا در چنین وضعیتی نیستند. در بریتانیا دختران مسلمان می‌توانند در مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار خود با حجاب حضور یابند. تعداد مساجد در بریتانیا نسبت به فرانسه، بیشتر است و مسلمانان حق آزادی بیان دارند، تنها نباید به خشونت‌گرایی و تروریسم دعوت کنند. در بریتانیا بیش از هزار مسجد وجود دارد. دولت‌های بریتانیا و آلمان، مخالف دیدگاه دولت فرانسه در رابطه با مسلمانان مقیم هستند و مسلمانان مقیم کشورهایشان را تهدید امنیتی تلقی نمی‌کنند. شهردار لندن یک مسلمان حامی حقوق فلسطینی‌هاست.

به‌رغم شعار آزادی بیان؛ علت حمایت از توهین به پیامبر ۱/۹ میلیارد مسلمان چیست؟

غرب از منظر فلسفی، سیاسی و دیپلماسی یکپارچه نیست، لذا نمی‌توان حکم واحدی برای آن صادر کرد. دولت فرانسه در صف اول اسلام‌هراسی و توهین به مقدسات اسلامی است. مسلمانان در فرانسه، تحت فشار انواع تضییقات مادی، معنوی و حقوق بشری هستند. دختران مسلمان در مدارس و دانشگاه‌ها حق داشتن حجاب و علائم دینی را ندارند در حالی که مسلمانان بریتانیا در چنین وضعیتی نیستند. در بریتانیا دختران مسلمان می‌توانند در مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار خود با حجاب حضور یابند. تعداد مساجد در بریتانیا نسبت به فرانسه، بیشتر است و مسلمانان حق آزادی بیان دارند، تنها نباید به خشونت‌گرایی و تروریسم دعوت کنند. در بریتانیا بیش از هزار مسجد وجود دارد. دولت‌های بریتانیا و آلمان، مخالف دیدگاه دولت فرانسه در رابطه با مسلمانان مقیم هستند و مسلمانان مقیم کشورهایشان را تهدید امنیتی تلقی نمی‌کنند. شهردار لندن یک مسلمان حامی حقوق فلسطینی‌هاست.

علاوه بر اینها] به تفاوت لائسیته (laïcité) و سکولاریسم در غرب باید توجه شود. دولت فرانسه یک حکومت [مبتنی بر] لائسیته (laïcité) است که از اساس با دیانت در تعارض است. یکی از مبانی «انقلاب فرانسه» و «دوره روشنگری» فرانسه، تقابل با نهاد کلیسا و دیانت بود (۱) در صورتی که در بریتانیا ملکه ریاست کلیسا را برعهده دارد و سراسقف کلیسا منصوب ملکه/شاه است. ولیعهد انگلستان و برخی از اعضای خاندان سلطنتی، نمایندگان پارلمان و مجلس لردها به عرفان اسلامی علاقه‌مندند. زمین Regent's Mosque در لندن، اهدایی جرج ششم پادشاه انگلستان به جامعه مسلمان است. این مسجد بزرگ با ظرفیت ۵۴۰۰ نمازگزار، گنبدی طلائی و مناره دارد.

سید حسین امامی
روزنامه‌نگار

گرچه اماتونل مکرون در مصاحبه اخیر با شبکه الجزیره خود را جزو توهین‌کنندگان به پیامبر (ص) نمی‌داند و صرفاً بر آن است که حافظ آزادی بیان و عقیده بوده است، در مصاحبه حاضر با سید سلیمان صفوی به محدودیت‌های مسلمانان در فرانسه و تفاوت رویکرد فرانسوی به اسلام اشاره شده است که نشان می‌دهد قضیه صرفاً به آزادی بیان محدود نیست. دکتر سید سلیمان صفوی رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح-لندن، نویسنده کتاب «گفتمان انقلابی در جهان اسلام»، پل‌گفت‌وگوهای فلسفی ایرانی-اسلامی با غرب و فیلسوف نوسرایی است. با ایشان در باب توهین‌های اخیر به پیامبر اکرم (ص) گفت‌وگویی کرده‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

۱۱

به‌رغم شعار آزادی بیان؛ علت حمایت از توهین به پیامبر ۱/۹ میلیارد مسلمان چیست؟

غرب از منظر فلسفی، سیاسی و دیپلماسی یکپارچه نیست، لذا نمی‌توان حکم واحدی برای آن صادر کرد. دولت فرانسه در صف اول اسلام‌هراسی و توهین به مقدسات اسلامی است. مسلمانان در فرانسه، تحت فشار انواع تضییقات مادی، معنوی و حقوق بشری هستند. دختران مسلمان در مدارس و دانشگاه‌ها حق داشتن حجاب و علائم دینی را ندارند در حالی که مسلمانان بریتانیا در چنین وضعیتی نیستند. در بریتانیا دختران مسلمان می‌توانند در مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار خود با حجاب حضور یابند. تعداد مساجد در بریتانیا نسبت به فرانسه، بیشتر است و مسلمانان حق آزادی بیان دارند، تنها نباید به خشونت‌گرایی و تروریسم دعوت کنند. در بریتانیا بیش از هزار مسجد وجود دارد. دولت‌های بریتانیا و آلمان، مخالف دیدگاه دولت فرانسه در رابطه با مسلمانان مقیم هستند و مسلمانان مقیم کشورهایشان را تهدید امنیتی تلقی نمی‌کنند. شهردار لندن یک مسلمان حامی حقوق فلسطینی‌هاست.

علاوه بر اینها] به تفاوت لائسیته (laïcité) و سکولاریسم در غرب باید توجه شود. دولت فرانسه یک حکومت [مبتنی بر] لائسیته (laïcité) است که از اساس با دیانت در تعارض است. یکی از مبانی «انقلاب فرانسه» و «دوره روشنگری» فرانسه، تقابل با نهاد کلیسا و دیانت بود (۱) در صورتی که در بریتانیا ملکه ریاست کلیسا را برعهده دارد و سراسقف کلیسا منصوب ملکه/شاه است. ولیعهد انگلستان و برخی از اعضای خاندان سلطنتی، نمایندگان پارلمان و مجلس لردها به عرفان اسلامی علاقه‌مندند. زمین Regent's Mosque در لندن، اهدایی جرج ششم پادشاه انگلستان به جامعه مسلمان است. این مسجد بزرگ با ظرفیت ۵۴۰۰ نمازگزار، گنبدی طلائی و مناره دارد.

کشورهای غربی مواضع متفاوتی نسبت به اسلام دارند. جریان‌های افراطی در آمریکا و جریان راست افراطی در فرانسه، اسپانیا و صهیونیسم بین‌الملل، از اضلاع مهم تقابل با اسلام و مسلمانان هستند. درحال حاضر آلمان، بریتانیا و فرانسه مهم‌ترین دولتهای

قتل، دزدی و توزیع مواد مخدر باز میدارند. برخی جریان‌های راست افراطی اروپا مخالف مهاجران از جمله مسلمانان هستند. بین معضل مهاجران و اسلام در اروپا باید جدا سازی شود. برای مثال در آلمان، نئونازی‌ها مخالف مهاجران و ترک‌ها هستند، اما در عین حال مخالف صهیونیسم، اسرائیل و امپریالیسم آمریکا نیز هستند و کمابیش از ایران دفاع می‌کنند. دولت فرانسه و واتیکان مهم‌ترین نهاد‌های مخالف رشد اسلام و مهاجران مسلمان در اروپا هستند چنانکه به‌خاطر ترس از رشد جمعیت مسلمان در اروپا و مسلمان شدن اروپا، با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مخالفت کردند.

این اهانت‌ها سبب رشد افراط‌گرایی و تقابل ادیان نمی‌شود؟

توهین به مقدسات ادیان الهی؛ در تقابل با حقوق بشر، عقل عملی، صلح و امنیت جهانی است. توهین به رسول‌الله محمد مصطفی (ص) که رحمت الهی برای همه جهانیان است، در تقابل با سیاست‌گفت‌وگویی بین ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع، صلح و امنیت جهانی است.

واقعیت این است که جهان امروز با تنوع فرهنگی، دینی و تمدنی روبه‌رو است و احترام متقابل و گفت‌وگو، تنها راه همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان مختلف الهی و فرهنگ‌های متنوع است. دیپلماسی فرهنگی و هنری، تنها راه مبارزه با افراطی‌گری دینی و لائسیته (laïcité) است. عدم توقف توهین به رسول‌الله محمد مصطفی (ص) در فرانسه، موجب رشد افراطی‌گرایی با شیوه داعشی در اروپا می‌شود و جان میلیون‌ها غیرمسلمان در جهان اسلام را به‌خطر می‌اندازد که محل امنیت و صلح ملت‌های اروپاست. مسلمانان باید جریان تروریستی داعشی‌ها در اروپا را محکوم کنند و با روش‌های نرم‌افزاری، مقابل توهین به رسول‌الله (ص) بایستند و دولت فرانسه را بیدار کنند که سیاست حمایت از توهین به مقدسات اسلامی، در تعارض با منافع امنیت ملی فرانسه در جهان است و چنانچه دولت فرانسه تغییر سیاست ندهد، با تحریم کالاهای فرانسوی در اکثریت جهان اسلام مواجه می‌شود.

پیام مسلمانان به غرب و ملت فرانسه؛ صلح، امنیت و احترام متقابل است. خشونت، یک معضل و بیماری جهانی است که تنها از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی فرهنگی قابل درمان است. پیام من به دولت‌های جهان این است: «علمای فیلسوف و عارف ادیان الهی، طبیبان این بیماری هستند، از دستورالعمل‌های آنها برای توقف رشد خشونت‌گرایی در جهان استفاده کنید. راه مبارزه با افراطی‌گرایی؛ مدارا، مفاهیم، دیالوگ و احترام به ارزش‌های خالده میراث فرهنگ جهانی است. ادیان الهی از جمله اسلام، بخش مهمی از میراث سازنده فرهنگ و تمدن جهانی هستند.»

پی‌نوشت‌ها:

1. See: J. Christopher Soper and Joel S. Fetzer, «Explaining the accommodation of Muslim religious practices in France, Britain, and Germany». French Politics (2003); see also Abdulkader H. Sinno (2009). Muslims in Western Politics. Indiana UP.

۲. همان.

یادداشت

نقد سخنان سید کمال حیدری در گفت‌وگو با شبکه عراقیه

گزینش حقیقت به مثابه تحریف



سید کمال حیدری در بخش پنجم از گفت‌وگو با شبکه عراقیه به‌سرآه مساله تکفیر رفت و سخنانی را اظهار داشت که بازتاب فراوانی در میان اندیشمندان



مهدی عبدالهی

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

و حتی مسلمانان و شیعیان سایر کشورها در پی داشت. این نوشتار قصد آن دارد که مدعای اصلی سید کمال را بررسی کند. پیش از ورود به این بررسی علمی توجه به این نکته ضروری است که بی‌تردید هر گوینده و نویسنده‌ای در سخنانش هدفی را دنبال می‌کند، فردی چون سید کمال نیز نسبت به وسعت و عمق تأثیر مدعیاتش ناآگاه نیست. شاید به همین علت بود که برخی از اندیشمندان در واکنش به مدعیات سید کمال بر این جهت تأکید بیشتری کردند.

پیش از بررسی میزان اعتبار مدعای سید کمال حیدری باید اشاره کنیم که اسلام و کفر در میان اندیشمندان دو معنای اصطلاحی ظاهری و باطنی دارند. کفر باطنی ناظر به ایمان و کفر قلبی است، اما کفر گاه ناظر به وضعیت ظاهری است. چنان که سید کمال نیز اظهار داشته است، بنا بر نظریه مشهور فقهای شیعه، هر کسی که ظاهر او به زبان اظهار اسلام کند و شهادت به توحید و نبوت را بر زبان جاری کند، باید او را مسلمان دانست و احکام فقهای مسلمان را بر وی جاری کرد. اسلام ظاهری موضوع احکام فقهی و مربوط به نحوه رفتار دیگران با او و اموال او است، اما اسلام باطنی ناظر به ایمان قلبی است که امری باطنی و غیرمشهود است. اسلام باطنی و ایمان قلبی موضوع ثواب و عقاب اخروی است.

در واکنش‌های علمی به سخنان سید کمال، برخی بدون توجه کافی به مدعای کانونی وی بر این سخن تکیه کردند که فقهای شیعه معتقد به اسلام ظاهری سایر فرق اسلامی هستند. اما روشن است که سخنان سید کمال ناظر به این مساله نیست، بلکه چنان که در ویدئوی مصاحبه روشن است، مدعای ایشان این است: «هذا أقوله بضرر قاطع وأقطع فیما أقول: لا يوجد عالم إثني عشري إلا يحكم بكفر المسلمین جميعاً باطناً، نعم یختلفون ظاهراً... بحسب الباطن وبحسب الحشر الأخری و بحسب البعد الکلامی اتفقت کلمه علماء الشیعه علی کفرهم.»

مدعای اصلی سید کمال این است که وی به ضرس قاطع می‌گوید: «همه علمای شیعه معتقد به کفر باطنی سایر مسلمانان هستند. این مدعای آقای حیدری از چند جهت مخدوش است: نخست آنکه باید از ایشان پرسید دلیل مستند این قطع شما چیست؟ آیا جنب‌المالی که این گونه با ضرس قاطع ادعا می‌کنید هیچ عالمی شیعی وجود ندارد که سایر مسلمانان را کافر نداند؟ همه کتاب‌های فقهی و کلامی و تفسیری همه علمای شیعه از فقها، متکلمان و مفسران را بررسی کرده‌اید؟! لابد استحضار دارید که دامنه علمای شیعه، همه اندیشمندان شیعه در طول ۱۴ قرن اسلام در همه جغرافیای زمین را شامل می‌شود. چگونه چنین ادعایی کلان آن هم با قاطعیت مطرح می‌فرمایید؟ دوم اینکه در همین روزها شاهد آن بودیم که برخی اندیشمندان معاصر شیعه همچون حضرت آیت‌الله سیستانی طبق نقل نماینده رسمی‌شان اعلام کردند که معتقدند اهل سنت، هم به لحاظ ظاهری و هم به لحاظ باطنی مسلمان هستند.

جناب حیدری در حالی ادعای قطع نسبت به دیدگاه مورد اتفاق همه علمای شیعه می‌کند که لااقل یک اندیشمند شیعی برجسته هم عصر با وی دیدگاهی خلاف مدعای او دارد. ممکن است خواننده محترم بفرماید چرا جل این قدر مته به خشخاش می‌گذارید؟ فرض کنید ایشان گفته‌اند نظر «مشهور علمای شیعه» این است. پاسخ آن است که تحریف حقیقت با همین بزرگ‌نمایی‌ها و کوچک‌نمایی‌ها محقق می‌شود، چنان که در ادامه نیز خواهیم دید. کسی که به دنبال کشف و بیان حقیقت است، نباید در یک موضوع حساس مذهبی، بخشی از حقیقت را درشت‌تر نشان دهد و بخشی دیگر را اصلاً مطرح نکند. سوم و مهم‌تر از همه آنکه گوینده این سخنان چند مساله را با هم درآمیخته است که اگر این مسائل به‌درستی از هم تفکیک شوند، حقیقت روشن خواهد شد. مساله اول موضوع حقانیت و بطلان عقیده است.

اخیراً مدعای مدعی شده‌اند که بنابر اعتقاد برخی علمای شیعه که در کتب کلامی متعدد آمده است، در میان مذاهب مختلف اسلامی، تنها مذهب شیعه اثنی عشری برحق است.

مساله دوم موضوع نجات اخروی است. بنابر اعتقاد شیعه، قلمرو نجات اخروی گسترده‌تر از قلمرو حقانیت است. بر این اساس، افزون بر شیعیان واقعی و نه اسمی و ظاهری - که دارای ایمان باطنی هستند، برخی دیگر نیز از اهل نجاتند.

به‌طور کلی، آنان که قائل به معتقدات شیعه نیستند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول آنان که حقانیت باورهای شیعی برایشان روشن شده، اما از سر عناد با حقیقت بدان ایمان نیاورده‌اند. دسته دوم آنان که حقیقت برایشان روشن نشده است و گرچه از سر نادانی در دامان کفر درافتاده‌اند، اما در این جهل گناهکار و مقصرند.

اما دسته سوم آنان که گرفتار جهل به حقیقتند و در این جهل مقصر نبوده‌اند، بلکه به علت شرایط خاص زمانی و مکانی از کشف حقیقت و ایمان به آن بازمانده‌اند. این سه دسته نسبت به ثواب و عقاب اخروی یکسان نیستند. کافران عالم به حقیقت و جاهلان مقصر، همچنان که اعتقادشان باطل بود، گرفتار عذاب اخروی خواهند بود، اما قاصران گرفتار جهل - که در ادبیات قرآنی مستضعف خوانده می‌شوند - به‌رغم ایمان به بعضی عقاید نابخردانه‌اند، در آخرت گرفتار عذاب نخواهند شد. بر این اساس، خطای بزرگ جناب حیدری روشن می‌شود. ایشان بدون دلیل و به نادرستی «کفر به حسب باطن» را با «کفر به حسب حشر اخروی» یکی گرفته‌اند، در حالی که چنان که توضیح دادیم، کفر باطنی مستلزم عذاب اخروی نیست. مساله سوم، نحوه رفتار شیعیان با پیروان سایر فرق اسلامی است.

جناب حیدری در سایر سخنان خود ادعا کرده‌اند که دیدگاه کفر باطنی پیروان سایر مذاهب، سر از «داعشی‌گری شیعی» درمی‌آورد و بنابر این نظریه، مساله «تقریب مذاهب» امری تصنعی و تنها برای ظاهر سازی است، چرا که تقریب بین کافر و مسلمان معنا ندارد. پاسخ این بخش از مدعیات جناب حیدری نیز روشن است. همچنان که برحق دانستن اعتقاد شیعی مستلزم انحصار نجات اخروی در پیروان مذهب حق نیست، بلکه برخی از پیروان سایر مذاهب نیز از نجات بهره‌مند خواهند شد، حقانیت شیعی و بطلان سایر مذاهب مستلزم آن نیست که شیعیان با پیروان سایر مذاهب با خصومت و ستیز رفتار کنند. و این موضوع مستلزم برپایی جنگ و کشتار نیست، بلکه شیعیان می‌توانند نه تنها با سایر مسلمانان، بلکه با پیروان سایر ادیان (اهل کتاب) و حتی بی‌دینان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. یک عالم شیعی با وجود آنکه برخی اعتقادات اهل سنت را صحیح نمی‌داند، هرگز فتوا به تیغ کشیدن به‌روی آنها نمی‌دهد، بلکه -چنانکه خود سید کمال هم گفته- براساس اسلام ظاهری رفتار می‌کند. پس «داعشی‌گری شیعی» جعل ذهنی جناب ایشان است. تقریب مذاهب نیز به‌هیچ‌روی امری تصنعی و صوری نیست، بلکه علمای شیعه با اندیشمندان سایر مذاهب، خصومت و دشمنی را کنار نهاده، به گفت‌وگویی منطقی و اخلاقی می‌نشینند تا پس از رفع سوء تفاهم‌ها از باورهای یکدیگر و کنار گذاشتن نسبت‌های ناروا، سخن و دیدگاه یکدیگر را به‌درستی فهم کرده، سپس از صحت و سقم آن بحث کنند. در سرانجام این مباحثه علمی، اگر یک طرف حقانیت مدعای خود یا بطلان مدعای طرف مقابل را اثبات کرد، چنانکه طرف مقابل حقیقت را پذیرفت که دیگر نزاعی در میان نمانده و تقریب به‌نحو کامل صورت گرفته است، اما اگر طرف مقابل نپذیرفت، همچنان با وجود اختلاف نظر علمی و عقیدتی، زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر ادامه می‌یابد. حاصل آنکه، سخن باطل تنها نفی حق نیست؛ برجسته‌تر کردن بخشی از یک حقیقت و نادیده گرفتن بخشی دیگر نیز تحریف حقیقت است و هر تحریفی باطل است.